

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت شصت و نهم) «علیقلی» و حمام خون سال ۱۱۲۷ در مشهد



مرضیه ترابی

پس از عبور از دوران پررونق تیموری و نیز توسعه بی‌سابقه در عصر صفوی، بالاخره مشهد در دوره افشاریه به‌عنوان پایتخت ایران برگزیده شد و همین اقدام، بر رونق و آبادانی‌ای که از دوره صفویه آغاز شده بود، افزود. در این دوره، شهر به‌لحاظ کیفی، وضعیت بسیار بهتری پیدا کرد و کاروان‌سراهای مرغوب، باغ‌های مصفا و بازارهای بزرگ، باعث افزایش جمعیت و رونق کسب‌وکار در مشهد شد. برخی معتقدند که این دوره، برای شهر ما، از نظر رشد کمی و کیفی، دورانی طلایی و خاص بوده است. این ادعا البته ادعای اشتباهی نیست، اما واقعیت آن است که این دوران طلایی، فرجامی مقبول و مورد اعتنا نیافت و البته به قول حافظ شیرازی، «دولت مستعجل» بود. وقتی اوضاع روانی نادرشاه در اواخر عمرش به‌هم ریخت و بنای ستمگری و قتل مردم و حتی اطرافیان و خویشانش را گذاشت، آن شکوه مادی گردآمده در مشهد نیز رنگ باخت و دوران آرامش حدوداً ده‌ساله مردم به پایان رسید. او در سال‌های آخر عمر، مالیات‌های بخشدو را بازستاند و دمار از روزگار ایرانیان درآورد، دورانی که البته برخی دوست ندارند درباره‌اش صحبت کنند تا مبادا عهد پیروزی‌های درخشان نظامی نادرشاه در تاریخ ایران، مکدر به چشم آید، غافل از اینکه نقل آن اقتدار و پیروزی، تزاحمی با حکایت‌های بعد از آن ندارد و اتفاقاً به تاریخ باید با رویکرد خاکستری توجه نشان داد نه سیاه یا سفید. بگذریم، با قتل نادرشاه در فتح‌آباد قوچان، به سال ۱۱۲۵خورشیدی، اوضاع بدتر از آنچه نقل کردیم، هم شد. مدعیان جانشینی وی، از هرسو سربرداشتند و شورش‌های متعددی سراسر ایران‌را فرا گرفت مشهددر چنین اوضاع‌واحوالی، شاهد استیلای علیقلی، یکی از افراد خشن و بی‌رحم خاندان افشاری، شد و روزگاری بر مردم این خطه گذشت که شاید تا پیش از آن، مسبوق به سابقه نبود.

- چنانچه به سبک «عادل‌شاه»

علیقلی، برادرزاده نادرشاه و پسر ارشد ابراهیم‌خان ظهیرالدوله افشار، در زمستان سال ۱۱۲۶خورشیدی وارد مشهد شد و نام خودش را «عادل‌شاه» گذاشت. از پیشینه وی و تاریخ زندگی‌اش، قبل از آغاز حکومت، اطلاع زیادی در دست نیست. به‌دستور علیقلی،۴۰هزار نیروی‌یاغی همراهش، به‌تدریج واردشهر شدندوبه این ترتیب، روزگار ساکنان مشهد، سخت‌تر از هر زمان دیگری شد. علیقلی دستور داد بیش از سی نفر از فرزندان و نوادگان نادرشاه را به قتل برسانند. در میان آن‌ها فقط رضاقلی میرزا، امام‌قلی و نصرا…میرزا بیشتر از هجده سال داشتند و بقیه، معمولاً کودکان خردسال بودند. این وحشیگری کم‌سابقه، جو رعب‌انگیزی را بر مشهد حاکم کرد. سهراب‌خان، غلام علیقلی که در زمان خودش، منفورترین شخصیت نزد زائران و مجاوران حرم رضوی بود، بنای تعدیگری به معاریف شهر مشهد و تعرض به طوایف و قبیایلی را گذاشت‌که در زمان نادرشاه، برای حفاظت از خراسان و مشهد،به این ناحیه کوچانده شده بودند. یکی از این طوایف، طایفه زندبه بود که به رهبری کریمخان زند، تصمیم گرفت به موطن خودش بازگردد. علیقلی گرفتن مدافعان مشهد از آن، آشوب و تشویش را در شهر بیشتر کرد. به این ترتیب، امنیت در مسیرهای زیارتی نیز از بین رفت و کار تردد زائران به مشهدالرضا^(ع) با نقصان و مشکلات فراوان روبه‌رو شد.

- جمع کردن طرفدار با «خاصه‌خرچی»

علیقلی کوشید با استفاده از ثروت نادرشاه، دست به جلب طرفدار بزند. به فرمان او، ثروت هنگفتی که نادر در دوران حکومتش گرد آورده و در قلعه کلات ذخیره کرده بود، به مشهد حمل شد. این گنجینه، یکی از گنجینه‌های بزرگ تاریخ بشر به‌حساب می‌آمد. میرزاهمدی‌خان استرآبادی در کتاب «جهانگشای نادری» آورده است: فقط برای حمل دفاتر و اسناد این گنجینه، «چندین قطار شتر کوه‌کمان» به‌کار گرفته بودند. ارزش ثروت نادر چیزی حدود «پانزده کورو تومان طلا» ارزیابی می‌شد. علیقلی دستور داد این گنجینه را در میدان مرکزی شهر مشهد، یعنی میدان «سرسنگ»، در امتداد بازار سرشور و نزدیکی حرم مطهر، روی هم بگذارند تا برای آن‌ها مکان مناسبی آماده‌کند. آن‌گاه تعدادی از نظامیان و ثروتمندان شهر را دعوت کرد و به آن‌ها طلا و نقره فراوان بخشید. این درحالی بود که وضعیت معیشتی در مشهد روزبه‌روز بدتر می‌شد و ثروتمندان و صاحبان زور، با دشمنان گردو می‌شکستند و به قول استرآبادی، برخی، «نقره‌خام را به پهای شلغم پخته و گوهر شاهوار را به‌جای سنگ و سفال» معامله می‌کردند. در همان حال، بیشتر مردم در وحشت و گرسنگی به‌سر می‌بردند و هر لحظه، شرایط برای یک قیام عمومی فراهم‌تر می‌شد.

- نفرت‌پرانی‌های «سهراب‌خان»

نقش سهراب‌خان غلام‌رجی علیقلی، در دامن‌زدن به‌ناراضیاتی‌ها و تشدید وخامت اوضاع مشهد در این ایام، انکارناشدنی است. در تابستان سال ۱۱۲۷خورشیدی، زمانی که طوایف مدافع مشهد به‌طور جدی عزم حرکت به‌سوی زادگاهشان را کردند و علیقلی دستور بازگرداندن آن‌ها را داد، سهراب‌خان نتوانست کاری از پیش ببرد و درعوض، تعدادی از مردم بی‌گناه مشهد را به‌عنوان اعضای طوایف مهاجر به بند کشید و سر آن‌ها را در ملأعام قطع کرد و نزد علیقلی برد. در پاییز ۱۱۲۷خورشیدی، زمانی‌که علیقلی برای نبود با برادر کوچک‌ترش، ابراهیم‌میرزا، به‌سوی غرب کشور می‌رفت، وضعیت در مشهد بدتر از قبل شد و سهراب‌خان، سم و کشتار را به اوج رساند. همین مسئله، باعث قیام مردم مشهد شد. در همان حال، علیقلی که از برادرش شکست خورده بود، هراسان به‌سمت مشهد بازگشت، اما در تهران به دست نیروهای ابراهیم‌میرزا افتاد و به دستور برادر کوچک‌ترش کور شد. او را با دستان بسته به مشهد آوردند و ابراهیم‌میرزا، مدعی سلطنت شد، اما مردم مشهد دیگر حاضر نبودند در برابر دو برادر خونخوار و خونریز، تسلیم و مطیع باشند. تعدادی از بزرگان شهر، شاه‌رخ‌میرزا، نوه نادرشاه، را که از مرگ نجات یافته‌اما به‌دست مأموران علیقلی کور شده بود، به حکومت برداشتند و با حمایت مردم، به زندگی دو برادر خاتمه دادند و سهراب‌خان را نیز به تیغ تیز جلاد سپردند، با این حال پاییز غم‌انگیز سال ۱۱۲۷خورشیدی که در آن جمع زیادی از مردم مشهد جان خود را از دست دادند و طعمه تیغ بی‌دریغ بقایای خاندان نادرشاه شدند، هرگز از حافظه تاریخی مردم این شهر پاک نشد.

اشنبه ۱۷ دی‌ماه ۱۳۹۲ ۱۳۴۴ شم‌ه ۳۳۴۴

۱۵



تاریخ و هویت



عکس: «صدی‌گلی اشورا»



موقعیت باغات مشجر (میرجعفر) بر روی نقشه دالمج

بناهایی که دیگر نیستند

در این محدوده چند بنای درخور توجه دیگر نیز وجود داشت که اگر روزگار نفسشان را به شماره نمی‌انداخت، حالا بی‌شک جزو دارایی‌های تاریخی و هویتی مشهد محسوب می‌شدند. نخستینشان، اولین پلاک سمت راست کوچه است، جایی معروف به خانه «بینش» که سال‌های سال، محل سکونت این خاندان سرشناس بوده است، خاندانی که یکی از چهره‌های فرهنگی معروفش، مرحوم «تقی بینش»، از نویسندگان کتاب «مکتب شاپور» یا «مشهد در آستانه قرن چهارده هجری» است.

این خانه اگر اکنون وجود خارجی داشت، یکی از بهترین خانه‌های تاریخی مشهد محسوب می‌شد اما درحالی‌که پرونده ثبت ملی آن دهه قبل درحال تهیه بود، بنگاه شبانه تخریب شد تا اکنون از زمین آن به‌عنوان پارکینگ یکی از هتل‌های مجاور کوچه استفاده شود.

«عمارت کلاه‌فرنگی»، دیگر بنای درخور توجه موجود در این کوچه بوده که در ملک خاندان «میرزای ناظر» وجود داشته و حدود دههٔ ۴۰ به‌دلیل تغییر کاربری آن بخش از کوچه(از ملک مسکونی به فضایی خدماتی) تخریب شده است.

مدرسه «مهرعلوی» و «اداره اتباع خارجه استانداری خراسان»، دو مجموعه دیگری بوده‌اند که روزگاری در این کوچه فعالیت می‌کردند اما دیگر داستان‌های مربوط به آن‌ها را باید در خاطرات باقی‌مانده در ذهن موسسیدکرده‌های شهر جست‌وجو کرد.

هفته مراسم دعای کمیل برگزار می‌شود.

- سفر به ۷۰سال پیش در کوچه ثبت



بد نیست بدانید وضعیت کوچه ثبت به گونه‌ای است که قدم زدن در آن به‌راحتی انسان را به دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی می‌برد. خانه‌های بزرگ سمت راست این کوچه، حکایت از روزگاری دارند که هنوز زندگی آپارتمان‌نشینی رایج نشده بود و در هر خانه چندین خانوار در کنار هم و زیر نظارت بزرگ خاندان زندگی می‌کردند. همچنین تنها بن‌بست سمت چپ کوچه، میزبان دو خانه دیدنی(یکی در نیش کوچه و دیگر دو پلاک بعد از آن) است. این دو خانه، یکی نمادی از معماری مشهد دهه ۴۰ و سال‌های نخست تبدیل خانه‌های ویلایی بزرگ به ساختمان‌های تک‌طبقه(ویلایی‌های کوچک) است و دیگری زمانی‌را به یاد می‌آورد که خانه‌ها به‌جای پیلوت، دارای زیرزمین‌های بزرگی بودند که حیاط خانه هم براساس کف آن‌ها تنظیم شده بود. به بیان دیگر این خانه‌ها بازگوکننده دورانی از دو دهه نخست قرن گذشته مشهد هستند که کف خانه‌ها از کف کوچه‌ها گودتر بود، موضوعی که بیش از هر چیز دلیل حفاظتی و امنیتی برای ساکنان داشت.



تزیینات آجری هم بخشی از زیباسازی فضا را برعهده گرفته بودند.

سرس‌تون‌ها و در ورودی ساختمان، تزیینات آجری سنتوری و سقف چوبی مسطح بر شانه دیوارهای ستر

آن قرار داشته و در قسمت‌هایی از سقف کاذب هم تزیینات چوبی، سقف را زیباتر کرده بودند. سال‌ها بنای سبزواری‌ها مسکونی بود ولی در دوران پیش از تخریش، خالی از سکنه بود، آن چنان که پارکینگ ماشین‌های بی‌روح شده بود. جالب اینجاست که در پرونده ثبتی بنا، خطر تخریب‌آن گوشزد و حتی گفته شده است: «بنا به اظهارات سرایدار، مالک ساختمان قصد فروش یا تخریب آن را دارد!» همین‌اکه شواهد اما باعث نمی‌شده کاری برای نجات آن انجام نشود و این خانه برای ما و نسل‌های بعد از ما نماند. اکنون زمین این خانه تبدیل به هتل شده و روح زندگی برای همیشه در آن مرده است.

درگذشتش نه‌تنها این مجموعه را اداره کرد، بلکه با اینکه همسرش، پروفیسور پروتویی، فوق‌تخصص ارتوپدی بیمارستان امام‌رضا^(ع) بود و خاندان متمولی داشت، بیشتر عمرش را در اتاق چهل‌متری مدیریت بخش دختران زندگی کرد و صبح تا شب با بچه‌ها روزگار گذراند. ناگفته نماند که براساس اطلاعات موجود، دختران خانواده از دست‌داده زلزله‌زده بزرگ فردوس در سال ۱۳۴۷ نخستین میهمانان این مجموعه بوده‌اند.

- رضویه؛ مدرسه علمیه ویژه زنان



یکی دیگر از نکات جالب توجه کوچه ثبت، وجود تنها مدرسه علمیه ویژه زنان در آن است که جزو نخستین مدارس علمیه ساخته‌شده پس از انقلاب اسلامی نیز هست. مؤسسان این مدرسه که نام کامل آن «مدرسه علمیه جامعه‌الرضویه مشهد» است، حجت‌الاسلام والمسلمین علی سائلی، مدیرگروه علمی فقه مدرسه حجتیه قم و همسرش هستند که آن را سال ۱۳۷۱ با مدیریت خانم سائلی در خیابان آزادی۳ بنانهادند و اندکی بعد به مکان کنونی‌که موقوفه است، نقل مکان کردند. این مدرسه که باتوجه‌به نیاز جامعه با هدف تربیت مبلغان بانو ایجاد شده است، از سال ۱۳۸۹ زیرنظر شورای برنامه‌ریزی حوزه علمیه

درباره خانه‌های تاریخی سبزواری که دیگر نیست

ثبت ملی‌هایی که می‌میرند!

شرقی هتل الغدیر قرار داشته. به دوره قاجار بازمی‌گشته است. همچنین بر سردر بنای این سازه ازدست‌رفته، «سال ۱۳۴۳ هجری قمری» نوشته شده بود، بنایی که اگرچه به‌خانه‌سبزواری‌ها شهرت‌داشت، آخرین مالک آن شخصی به نام توکلی بوده است، ساختمانی دوطبقه که در انتهای یک حیاط بزرگ سقف و ستون خورده و دیوارهای آن با خشت‌خام بالا رفته بود. اسناد می‌گویند یک حیاط کوچک هم در پشت بنا آرام گرفته بوده است.

اندر زیبایی‌های این بنا هم باید نوشت: کاشی‌کاری در قسمت نمای خارجی، بالای دروا و پنجره‌ها به مد درنگ‌وروی خانه آمده بود تا آن را زیباتر کند؛ البته

درباره تاریخی‌ترین بن‌بست بالاخیابان که قدم زدن در آن

آدم را به مشهد دههٔ ۳۰ خورشیدی می‌برد

ثبت تاریخ مشهد در کوچه ثبت»

رضا سلیمان‌نوری! خاطرات و روایت کوچه‌های کهن مشهد تنها منحصر به راسته کوچه‌ها یا در اصطلاح قدیم مردم مشهد، «شاه کوچه‌ها» نمی‌شود و تمام دالان‌ها و کوچه‌های بن‌بست بافت قدیم شهر هم در این مزیت شانه به کوچه‌های اصلی می‌زنند و نمونه بارز این ادعا، کوچه آیت‌ا… شیرازی ۱۹ امروزی است؛ کوچه‌ای که اکنون یگانه بن‌بست دربین کوچه‌های بالاخیابان است و حدفاصل چهارراه و میدان شهدا قرار گرفته است و هرچند نسبت به دو کوچه مجاورش یعنی کوچه پشت مقبره(آیت‌ا… شیرازی ۱۷) و کوچه نو(آیت‌ا… شیرازی ۲۱) طول کمتری دارد و انتهای آن نیز به هیچ جایی راه ندارد، داستان‌های این کوچه اگر از آن‌ها کمتر نباشد، شاید بیشتر هم باشد.

کوچه ثبت در گذر تاریخ

کوچه آیت‌ا… شیرازی ۱۹ از آن کوچه‌های مشهد قدیم محسوب می‌شود که در دوران پیش از حضور کلنل دالمج(حوالی سال۱۲۴۸ خورشیدی) وجود داشته و گواه این ادعاهم مشخص شدن حدود این کوچه به هنگام ترسیم نقشه مشهد توسط این سیاح است. براساس آنچه وی ترسیم کرده، در دو سوی این کوچه، املاک و عمارت‌های مسکونی و در پایان‌ش هم باغات مشجر «میرجعفر» قرار داشته است.

همچنین در آن دوران، کوچه دارای یک

وجه‌تسمیه کوچه ثبت

کوچه ثبت تاریخ بلندی دارد که اکنون از ظواهر آن هیچ‌نمانده است، جز اندک خشت و ساختمانی ویرانه در کنجی. یکی از این ساختمان‌ها نخستین پلاک سمت چپ آن است؛ یک بنای قدیمی دوطبقه با در چوبی سبزرنگ که از سال۱۳۲۵ برای چندسالی میزبان اداره ثبت مشهد بوده است؛ آنچه اکنون نام این کوچه به آن مشهور و ماندگار شده است، البته ناگفته نماند که پیش از سال۱۳۲۵ نیز باز ساختمان ثبت در همین کوچه قرار داشته، با این تفاوت که در انتهای آن بوده است. به‌همین دلیل در تمام نقشه‌های دوره پهلوی، این کوچه به نام «کوچه ثبت» یا «کوچه اداره ثبت» مشخص شده است. اکنون طبقه بالای این بنای دوطبقه متروک است و در طبقه پایین آن و البته در قسمت حاشیه بالاخیابان، چند مغازه مختلف مشغول فعالیت هستند که شاخص‌ترین آن‌ها، یکی از معدود نان‌قاق‌پزی‌های باقی‌مانده مشهد است.

کوچه ثبت، این روزها

- بهشتی کوچک در املاک میرزای ناظر



اکنون ولی مهم‌ترین عنصر هویتی این کوچه، خیریه «عمید صفوی» است. این مجموعه را بی‌بی فاطمه، دختر ارشد سیدعبدآ… رضوی، معروف به «میرزای ناظر»(واقف بزرگی که به فامیلی شوهرش «صفوی» شهرت دارد) وقف کرده و پس از فوت یگانه فرزند معلول‌ش، به یاد و نام او «عمید صفوی» گذاشته است، خیریه‌ای که ویژه دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست است.

بر روی سردر خوابگاه، سال تأسیس ۱۳۴۶ ثبت شده است. آن‌طور که می‌گویند، دو سال قبل از این تاریخ، دختر میرزای ناظر پس از فوت پسرش تصمیم می‌گیرد عمارت چند هزارمتری مسکونی‌اش را به محلی برای نگهداری دختران یتیم هفت تا دوازده‌ساله تبدیل کند و با این تصمیم، عمارت زیبای انتهای کوچه ثبت، معروف به عمارت کلاه‌فرنگی، تخریب و خوابگاه دختران عمید بنا می‌شود. وی اندکی بعد از برادرزاده‌اش «جواهر شهدوست» که تحصیلاتش در مقطع کارشناسی مددکاری اجتماعی بود، خواست تا مدیریت این مجموعه را برعهده گیرد و او هم تا زمان

سیده‌نعمه زینبی! اینکه مادر فهرست میراث فرهنگی مان! ما کنی داریم که درواقعیت وجود ندارد. فقط در ایران امکان دارد. خانه قدیمی سبزواری‌های ۲ نیز از همین دسته است که ناشی هست ولی خودش نیست. وجود یک خانه سبزواری دیگر در مشهد، باعث شده است که پسوند ۲ به ادامه نام آن اضافه شود. این خانه تاریخی که در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۱۰۱۲ در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۸۳ به ثبت رسیده، سال‌هاست برای توسعه یک هتل تخریب شده است. قدمت این خانه تاریخی که در خیابان بهجت، کوچه رازفر در ضلع

کاشی آبی